

اشتغال

حسن طائی^{*}، مریم مقدم اصلی^{**}

مقدمه

اجتماعی و مسئولیت‌پذیری، عدم انعطاف‌پذیری سازمانی، و محافظه‌کاری تکنیکی (Sen, 1997). مهار و درمان این آسیب‌ها در دوران بیکاری و پس از آن بسیار دشوار است.

در این مقاله، مقولات اشتغال و بیکاری در چارچوب الگوی ذخیره- جریان بازار کار مطرح می‌شود. در بخش نخست به مباحث نظری الگوی ذخیره- جریان بازار کار و در بخش دوم به تحلیل بازار کار ایران و در بخش سوم به مقایسه برخی از شاخص‌های بازار کار در سطح بین‌المللی می‌پردازیم.

۱. تعاریف

۱.۱. الگوی ذخیره- جریان در بازار کار بخش عرضه نیروی کار

نیروی کار هر جامعه را منابع انسانی حاضر در بازار کار تشکیل می‌دهد و عوامل مؤثر بر آن عبارت‌اند از: حقوق و دستمزد، جمعیت در سنین فعالیت، درآمدهای غیرکاری، سعاد و تخصص، وضعیت تأهل، بعد خانوار، پویایی اقتصاد (سطح تولید، نرخ رشد، رونق و رکود). در تحلیل عرضه نیروی کار باید به ویژگی‌هایی نظری سعاد، جنس، سن، تخصص، منطقه، و شهری یا روستایی بودن جمعیت فعال توجه داشت. جمعیت غیرفعال جامعه شامل دارندگان درآمد بدون کار، محصلان و خانه‌داران است.

بخش تقاضای بازار کار

مسئله اشتغال و ایجاد تعادل در بازار کار صرفاً در این بازار حل و فصل نمی‌شود، بلکه بهمود وضعیت این بازار در گرو عملکرد مطلوب چرخه فعالیت‌های اقتصادی، اتخاذ سیاست‌ها و خط‌مشی‌های صحیح اقتصادی، مدیریت و تخصیص بهینه منابع

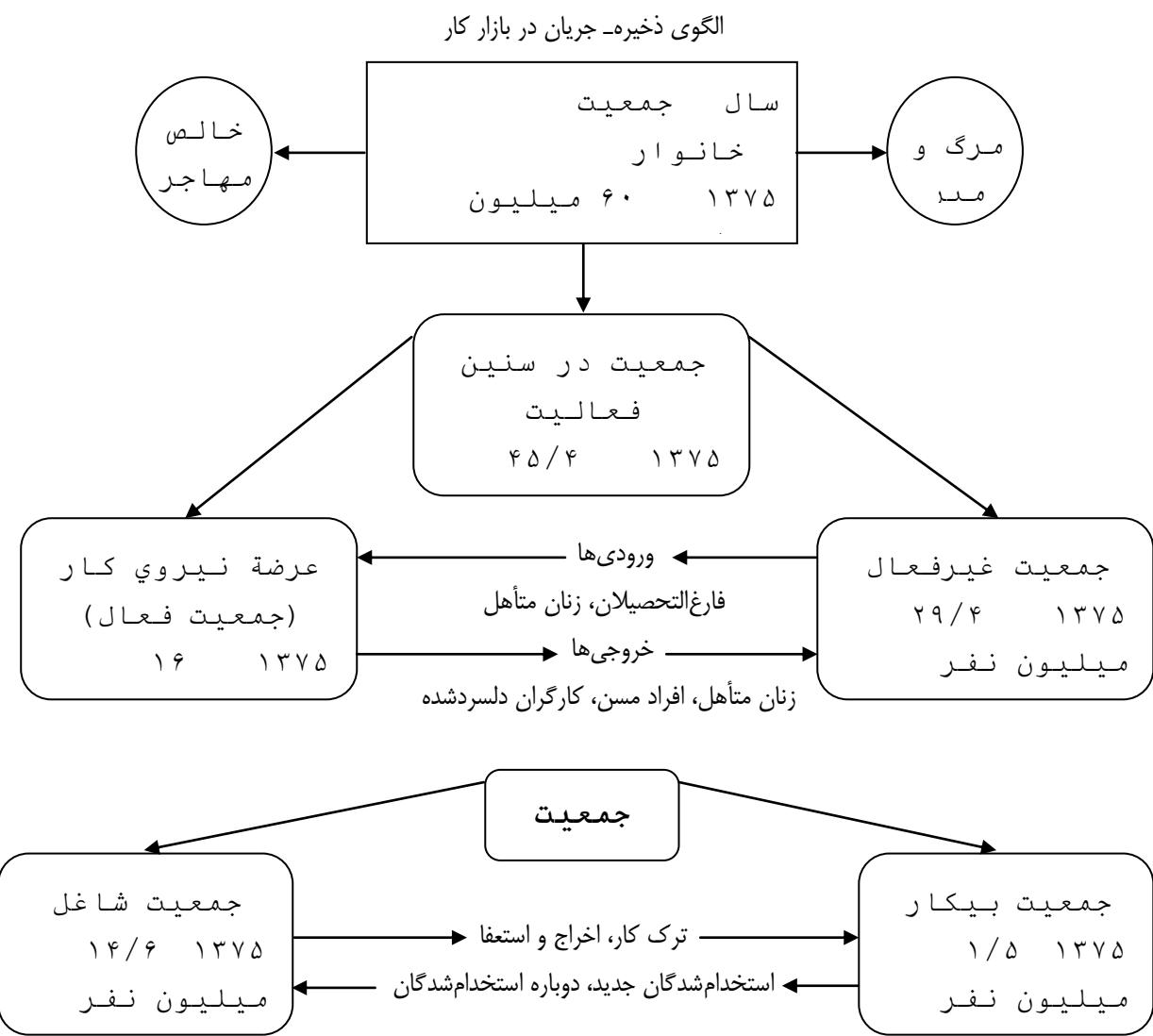
کار انسانی وجوده و ابعاد بسیار پیچیده و متنوعی دارد. بازار کار نیروی انسانی از یک سو از مسائل جمعیتی، اقتضایات خانوادگی و تمایلات فردی و از سوی دیگر از مسائل کلان اقتصادی، بنگاه‌های تولیدی، فضای سرمایه‌گذاری و تمایلات کارفرمایان تأثیر می‌پذیرد. در این بازار، انطباق سبد مهارت‌هایی که کارکنان عرضه می‌دارند با بسته اشتغالی که کارفرمایان ارائه می‌کنند فرایندی فنی، انسانی، اقتصادی و اجتماعی محسوب می‌شود. در بیان اهمیت موضوع کار انسانی، آمارتیا سن¹ اشتغال را از جنبه فردی و اجتماعی واجد سه منظر درآمدی، تولیدی و هویتی می‌داند (Sen, 1996). اگر از منظر درآمدی و تولیدی به اشتغال نگاه کنیم، درمی‌یابیم که افراد، در صورت یافتن شغل و ارائه خدمات کاری، در عین اینکه در فرایند تولید کالا و خدمات شرکت می‌کنند، به کسب درآمد برای خود نیز می‌پردازن. اما اگر زمینه اشتغال افراد در بازار کار فراهم نشود، علاوه بر آثار و پیامدهای برآورده نشدن نیازهای تولیدی و درآمدی، مسائل مربوط به جنبه هویتی اشتغال مطرح می‌شود که آمارتیا سن آنها را به بیش از ۱۰ مقوله تقسیم کرده است: از دست رفت تولید جاری، از دست دادن آزادی و محرومیت اجتماعی، کاهش مهارت‌ها و لطمات بلندمدت، آسیب‌های روانی، عوارض بهداشتی و مرگ و میر، از دست رفت رفتن انگیزه‌ها و کارهای آینده، از دست رفت تولید جاری، از دست دادن خانوادگی، نابرابری‌های جنسی و نژادی، از دست رفت ارزش‌های

* دکترای علوم اقتصادی، عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی

** کارشناسی ارشد جمعیت‌شناسی

1. Amartya Sen

مالی و فیزیکی، محیط مناسب کسب و کار، و فضای کلان سرمایه‌گذاری است.



۲. تحلیل بازار کار ایران

از زمان تدوین برنامه‌های میان‌مدت توسعه در ایران بیش از شش دهه می‌گذرد (اولین برنامه عمرانی در سال ۱۳۲۷ تدوین شد). با وجود فراز و نشیب‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی دهه‌های مزبور، که البته برخی ارتباط مستقیم با برنامه‌ها نداشته‌اند، باید اذعان کرد که حرکت اقتصادی و اجتماعی کشور روند مثبتی داشته است. تحولات چشمگیری نیز در رفتار عاملان یعنی خانوارها و بنگاه‌ها و دولت، و در بازارهای کالا و خدمات، کار و نیروی انسانی، و پول و سرمایه رخ داده است. چرخه زندگی اقتصادی کشور در طول دهه‌های گذشته دگرگیسی‌های متعددی داشته است؛ بنابراین، به منظور تحلیل تحولات بازار کار ایران، لازم است چندین جریان به هم وابسته را که هریک آثار غیرقابل انکاری بر این دگرگونی‌ها داشته‌اند بررسی کنیم.

در اینجا به تشریح دستاوردهای اقتصادی و اجتماعی چرخه مذکور نمی‌پردازیم بلکه صرفاً بر بازار کار بهویژه بخش‌های عرضه و تقاضا، و بیکاری و روندهای کمّی و کیفی آن تمرکز خواهیم کرد. در این مقاله تلاش می‌کنیم که به سؤال‌های پژوهشی زیر پاسخ دهیم:

- روند عرضه نیروی کار در طول دوران ۴۰ ساله ۱۳۸۵-۱۳۴۵ چگونه بوده است؟
- آیا نرخ مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی در طول دوران مطالعه دچار تغییرات شدیدی شده است؟
- روند تقاضای نیروی کار در طول دوران ۴۰ ساله ۱۳۸۵-۱۳۴۵ چگونه بوده است؟
- وضعیت جمعیت بیکار و نرخ بیکاری در طول دوران ۴۰ ساله ۱۳۸۵-۱۳۴۵ چگونه بوده است؟
- در مقایسه با شاخص‌های بین‌المللی، آیا متغیرهای بازار کار ایران مناسب است؟

در ادامه، ابتدا تحولات عرضه و تقاضای نیروی کار و سپس مسئله بیکاری و پیامدهای آن را با توجه به روندهای دوره مورد نظر تحلیل می‌کنیم.

۲.۱. چرخه فعالیت‌های اقتصادی

شامل کارگزاران (خانوارها، بنگاه‌ها، دولت و بخش خارجی)، عوامل تولید (منابع انسانی، منابع طبیعی، سرمایه، مدیریت و تکنولوژی)، و بازارهای اقتصادی (بازار کار، بازار سرمایه، بازار کالا و خدمات و بازار پول) است.

۳.۱. محیط کسب و کار

شامل عناصر و مؤلفه‌هایی است مانند سهولت شروع کسب و کار، سهولت اخذ مجوز، سهولت تعامل با کارکنان، سهولت ثبت دارایی‌ها، سهولت اخذ اعتبار، حمایت از سرمایه‌گذاران، سهولت پرداخت مالیات، سهولت تجارت با خارج، صدور حکم در نظام قضایی، خاتمه بخشیدن به کسب و کار.

۴.۱. فضای سرمایه‌گذاری

شامل عناصر و مؤلفه‌هایی است مانند درجه اطمینان نسبت به سیاست‌ها، ثبات اقتصاد کلان، نرخ مالیات‌ها و معافیت‌های مالیاتی، فساد مالی در دستگاه‌های اداری و مبارزه با فساد، گستردگی جرایم اجتماعی، مهارت نیروی کار، دسترسی به برق، دسترسی به خدمات حمل و نقل، دسترسی به زمین، دسترسی به مخابرات.

در تحلیل تقاضای نیروی کار باید توجه داشت که عوامل مؤثر بر تقاضا به طور مشخص عبارت‌اند از: حقوق و دستمزد، سطح تولید، قیمت سایر نهادهای تولید، موجودی یا دارایی‌های مالی و دانشی و انسانی، بهره‌وری، مقیاس تولید، و تعداد بنگاه‌های اقتصادی. همچنین در این تحلیل باید ویژگی‌هایی مانند سواد، جنس، سن، نوع تخصص، گروه فعالیت، گروه شغلی، وضع شغلی، منطقه، شهری یا روستایی بودن، عمر اقتصادی، عمر فیزیکی، و رسمی یا غیررسمی بودن بخش را در نظر گرفت.

باید توجه داشت که در الگوی ذخیره-جریان بازار کار، ملاحظات مربوط به توانایی‌های هر انسان در طول عمر خویش، از یک سو، و ملاحظات مربوط به میزان ارزش‌آفرینی و بهره‌وری او برای یک بنگاه اقتصادی، از سوی دیگر، دلالت دارند. می‌توان گفت که اصولاً هر فرصت شغلی معادل ۳۰ نفر- سال کار است که بر اثر فعل و انفعالات چرخه زندگی اقتصادی در بازار کار ایجاد می‌شود. از همین منظر است که می‌گوییم «تقاضای نیروی کار مشتق از تولید است».

که ۳/۶ میلیون نفر آن را زنان تشکیل داده‌اند. عرضهٔ نیروی کار مردان و زنان به ترتیب ۸۴/۵ و ۱۵/۵ درصد از کل عرضه بوده است. تحول مطلوب این دهه عرضهٔ نیروی کار زنان است که در مقایسه با سال ۱۳۷۵ نزدیک به دو برابر شده است. با توجه به جمعیت فعال زنان، نرخ مشارکت آنان در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی تقریباً نزدیک به سال ۱۳۵۵ است.

۲.۲ نرخ مشارکت اقتصادی

نرخ مشارکت اقتصادی^۲ یک شاخص تجمعی است که نشانگر یا تابعی از وضعیت اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی هر جامعه است. در بررسی وضع بازار کار کشورها، می‌توان گفت که هرچه این نرخ بالاتر باشد، آن جامعه از سطح رفاه بالاتری برخوردار است. به طور معمول، کمتر کشور پیشرفته‌ای را می‌توان یافت که نرخ مشارکت نیروی کار آن پایین باشد. کشورهای در حال توسعه نیز به ندرت نرخ مشارکت بالایی دارند. این نرخ به نوعی گویای بار تکلف در هر جامعه است، یعنی اگر جمعیت فعال را به کل جمعیت هر کشور تقسیم کنیم، در می‌باییم که یک نفر باید بار معیشتی چند نفر را در آن جامعه به عهده بگیرد.

نرخ مشارکت اقتصادی در سال‌های ۱۳۴۵، ۱۳۵۵، ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵ به ترتیب، ۰/۴۶، ۰/۳۹، ۰/۴۳ و ۰/۳۹ درصد بوده است. این نرخ، با افزایش ۴ درصدی در دهه ۱۳۷۵-۱۳۸۵، روند نزولی خود را پشت سر گذاشت و امکان اینکه در دهه آینده از نرخ سال ۱۳۵۵ تجاوز کند دور از انتظار نیست. نرخ مشارکت اقتصادی به تفکیک زنان و مردان در گروه‌های سنی مختلف در سال‌های ۱۳۴۵-۱۳۸۵ می‌بین آن است که رفتار مردان در بازار کار در طی چهار دهه تغییر محسوسی نداشته و عاملی که عمدتاً بازار کار کشور را با نوسانات جدی مواجه ساخته رفتار زنان بوده است.

نرخ‌های مشارکت در طول دوره مورد بحث در هیچ‌یک از گروه‌های سنی روند باثبات و تعریف‌شده‌ای نداشته است. می‌توان خطاهای داده‌های سرشماری را یکی از علل این نوسانات دانست، اما نباید فراموش کرد که جامعه و اقتصاد ایران در طی ۴۰ سال گذشته دگرگونی‌های ساختاری بی‌شماری را تجربه کرده است.

^۲. نرخ مشارکت اقتصادی از تقسیم جمعیت فعال هر گروه سنی به جمعیت متناظر با آن گروه به دست می‌آید.

۱.۲ تحولات عرضهٔ نیروی کار

عرضهٔ نیروی کار^۱ در سال ۱۳۴۵ بالغ بر ۷/۸۴ میلیون نفر بوده است که با توجه به تعداد جمعیت بالای ۱۰ سال، اقتصاد ایران در این سال نرخ مشارکت ۴۶/۱ درصد را تجربه کرده است. در سال مذبور، ۸۶/۸ درصد عرضه سهم مردان و ۱۳/۲ درصد آن سهم زنان بوده است.

عرضهٔ نیروی کار در سال ۱۳۵۵، با نرخ رشد سالانه‌ای معادل ۲/۳ درصد، به ۹/۸ میلیون نفر رسید. در این سال، نرخ مشارکت جمعیت کشور در فعالیت‌های اقتصادی به ۴۲/۶ درصد کاهش یافت. عرضهٔ نیروی کار مردان و زنان در سال ۱۳۵۵ به ترتیب برابر با ۸۵/۲ و ۱۴/۸ درصد از کل عرضه بوده است.

عرضهٔ نیروی کار در سال ۱۳۶۵ به ۱۲/۸ میلیون نفر رسید که در طی دهه ۱۳۵۵-۱۳۶۵، عرضهٔ نیروی کار از رشدی معادل ۲/۷ درصد برخوردار بوده که در مقایسه با دهه قبل افزایش یافته است. در این سال، به رغم افزایش تعداد و رشد عرضهٔ نیروی کار، نرخ مشارکت اقتصادی به ۳۹ درصد کاهش پیدا کرده است. عرضهٔ نیروی کار مردان در همه گروه‌های سنی چند برابر عرضهٔ نیروی کار زنان بوده است که در دهه مذکور روند کاهشی داشته است.

عرضهٔ نیروی کار در سال ۱۳۷۵ به ۱۶/۰ میلیون نفر رسید که در طی دهه ۱۳۶۵-۱۳۷۵، رشد سهم زنان بوده است. میزان رشد عرضهٔ نیروی کار در دهه ۱۳۷۵ به ۲/۳ درصد رسید که در مقایسه با دهه پیش از آن اندکی کاهش یافته است. نرخ مشارکت اقتصادی نیروی کار به ۳۵/۳ درصد رسید که پایین‌ترین میزان در طی سال‌های ۱۳۴۵-۱۳۷۵ و ناشی از تغییرات جمعیتی کشور و تحولاتی بوده است که در نظام آموزش و پرورش عمومی، آموزش عالی و آموزش فنی و حرفه‌ای رخ داد. نکته قابل توجه سهم عرضهٔ نیروی کار زنان است که از ۱۰/۲ درصد در سال ۱۳۶۵ به ۱۲/۷ درصد در سال ۱۳۷۵ رسید. سهم مذکور در مقایسه با سال ۱۳۶۵ در تمامی گروه‌های سنی افزایش یافت که نشانگر تحولات اقتصادی و اجتماعی دوران پس از جنگ است.

عرضهٔ نیروی کار در سال ۱۳۸۵ بالغ بر ۲۳/۵ میلیون نفر بوده

^۱. برمنای سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال‌های مختلف (مرکز آمار ایران)

معکوس این شاخص نیز نشان دهنده بار معیشت (نالصالص) و بیانگر آن است که هر نفر در بازار کار باید زندگی اقتصادی چند نفر را تأمین کند. در طول ۴۰ سال گذشته، این شاخص از ۲۸ درصد در سال ۱۳۴۵ به پایین ترین سطح خود یعنی ۲۲ درصد در سال ۱۳۶۵ و به ۲۹ درصد در سال ۱۳۸۵ رسیده است. در سال ۱۳۸۵ بار معیشت نالصالص به حدود ۳/۴ نفر رسیده است (جدول ۱).

توزیع تقاضای نیروی کار در استان‌های کشور در جدول ۲ آمده است. چنانکه ملاحظه می‌شود، استان‌های تهران با ۲۱ درصد، خراسان رضوی با ۸/۵ درصد، اصفهان با ۶/۹ درصد، فارس با ۶ درصد و آذربایجان شرقی با ۵/۶ درصد، در مجموع، ۴۸ درصد از کل اشتغال کشور را به خود اختصاص داده‌اند، در حالی که ۴۴/۷ درصد از جمعیت و ۱۵/۶ درصد از کل بیکاران کشور را در خود جای داده‌اند. بازار کار ایران در طول سال‌های ۱۳۵۵-۱۳۶۵ بالغ بر ۲/۲ میلیون فرصت شغلی و در طول برنامه‌های توسعه تا سال ۱۳۸۵ بیش از ۹ میلیون فرصت شغلی به وجود آورده که دستاوردهای قابل توجهی برای کشور محسوب می‌شود. اما در ارتباط با بازار کار آینده، با سه مسئله اساسی روبه‌رو هستیم. اول اینکه سالانه نیازمند ایجاد بیش از یک میلیون فرصت شغلی در درازمدت هستیم تا پاسخگوی نرخ‌های بسیار بالای رشد جمعیت در دهه‌های گذشته باشیم. دوم اینکه برای نیل به کار شایسته^۲ نیازمند ایجاد تحولات چشمگیری در بسیاری از عرصه‌های اجتماعی، حقوقی و سیاسی هستیم که نباید از نظر دور داشته شود. مسئله سوم که اهمیت بیشتری برای کل اقتصاد دارد مسئله بهره‌وری عامل انسانی است که در طول دهه‌های متوالی روند ایستا یا نزولی داشته است. تغییر جریان بهره‌وری کلید حل بسیاری از مشکلات اقتصاد ایران است.

۴.۲. جمعیت بیکار و نرخ بیکاری

جمعیت بیکار در کشور ما تا سال‌های قبل از انقلاب ظهور و حضور جدی در عرصه اجتماعی نداشته است. پس از انقلاب و با آغاز جنگ تحمیلی، از یک سو، و رشد روزافزون جمعیت به دلیل برهم خوردن چرخه حیاتی کشور، از سوی دیگر، جامعه و خانوارهای

۲. «کار شایسته مبتنی بر اشتغال مولد، حمایت اجتماعی، گفت‌وگوی اجتماعی و حقوق بنیادین کار است (گزارش سازمان بین‌المللی کار در سال ۱۹۹۹)» (امیری و دیگران، ۱۳۸۳).

برای مثال، کاهش شدید نرخ مشارکت زنان در گروه‌های سنی ۱۴-۱۰ و ۱۵-۱۹ سال تا اندازه‌ای با تحولات نظام آموزشی و افزایش ضریب پوشش تحصیلی قابل توجیه است، اما کاهش این نرخ در گروه‌های سنی ۲۰-۲۴ سال به بالا در دهه ۱۳۶۵-۱۳۵۵ و افزایش مجدد آن در طی دهه ۱۳۷۵-۱۳۶۵، با ادوار بازرگانی و تحولات اقتصادی قابل توجیه نیست و برای تبیین نوسانات مذکور باید به بررسی مسائل اجتماعی، سیاسی و فرهنگی دهه‌های مذکور پرداخت (طائی، ۱۳۸۲).

۳.۲. تحولات تقاضای نیروی کار

جمعیت شاغل کشور از ۷/۱ میلیون نفر در سال ۱۳۴۵ به ۸/۸ میلیون نفر در سال ۱۳۵۵ رسید. با اتخاذ سیاست‌ها و خطمشی‌های اقتصادی در برنامه‌های میان‌مدت توسعه اقتصادی در طول ۴۰ سال گذشته، این رقم به ۲۰/۵ میلیون نفر در سال ۱۳۸۵ رسید. سری زمانی اشتغال که در جدول ۱ نشان داده شده میان آن است که تقاضای نیروی کار در طول سال‌های ۱۳۴۵-۱۳۸۵ از رشد ۲/۷ در دوره شاغل کار در سال برخوردار بوده است. این نرخ رشد در طی ادوار گذشته بسیار متفاوت بوده و اگر با نرخ رشد تولید نالصالص داخلی در دوره مشابه (۴/۴ درصد) مقایسه شود، آشکار می‌گردد که اقتصاد ایران در طول ۴۰ سال گذشته با تفاوت‌های جدی در زمینه اشتغال، بهره‌وری و تولید مواجه بوده است. در برخی از دوره‌ها دیگر کاهش جدی داشته است. بهره‌وری عامل انسانی در طول سال‌های بعد از انقلاب کاهش یافته و از این منظر اقتصاد ایران با چالشی جدی روبه‌رو بوده است. کاهش بهره‌وری عوامل تولید در یک اقتصاد مقوله‌ای تک‌علتی نیست. می‌توان یکی از مهم‌ترین علل آن را تنزل قابلیت مدیریت منابع انسانی و سازوکار ناصحیح بازار کار مدیران دانست، اما برای تحلیل دقیق‌تر باید کل چرخه فعالیت‌ها مورد بازبینی و تحلیل قرار گیرد.

شاخص «نسبت شاغلان به جمعیت»^۱ یکی از شاخص‌های اصلی بازار کار و بیانگر آن است که چه درصدی از جمعیت کشور در بازار کار به تولید مشغول یا درگیر فعالیت‌های اقتصادی هستند.

1. employment-to-population ratio

جدول ۱. سری زمانی جمعیت و تولید ناخالص ملی کشور

سال	جمعیت (میلیون نفر)	جمعیت شاغل (میلیون نفر)	نسبت شاغلان به جمعیت (درصد)	تولید ناخالص داخلی (میلیارد ریال)
۱۳۴۵	۲۵/۷۹	۷/۱	۲۸/۰	۷۹۶۴۶
۱۳۴۶	۲۶/۴۹	۷/۲	۲۷/۰	۸۸۲۵۸
۱۳۴۷	۲۷/۲۱	۷/۳	۲۷/۰	۹۹۰۰۱
۱۳۴۸	۲۷/۹۵	۷/۴	۲۶/۰	۱۱۱۶۱۲
۱۳۴۹	۲۸/۷۰	۷/۵	۲۶/۰	۱۲۲۵۸۹
۱۳۵۰	۲۹/۴۸	۷/۶	۲۶/۰	۱۳۹۲۷۸
۱۳۵۱	۳۰/۲۸	۷/۷	۲۵/۰	۱۶۲۵۵۷
۱۳۵۲	۳۱/۱۱	۷/۹	۲۵/۰	۱۷۴۶۶۸
۱۳۵۳	۳۱/۹۵	۸/۱	۲۵/۰	۱۹۶۵۸۱
۱۳۵۴	۳۲/۸۲	۸/۳	۲۵/۰	۲۰۶۱۱۴
۱۳۵۵	۳۳/۷۱	۸/۸	۲۶/۰	۲۴۲۳۲۶
۱۳۵۶	۳۵/۰۳	۹/۰	۲۶/۰	۲۳۶۶۴۵
۱۳۵۷	۳۶/۳۹	۹/۲	۲۵/۰	۲۱۹۱۹۱
۱۳۵۸	۳۷/۸۱	۹/۵	۲۵/۰	۲۰۹۹۱۹
۱۳۵۹	۳۹/۲۹	۹/۷	۲۵/۰	۱۷۸۱۴۹
۱۳۶۰	۴۰/۸۳	۹/۹	۲۴/۰	۱۷۰۲۸۱
۱۳۶۱	۴۲/۴۲	۱۰/۲	۲۴/۰	۱۹۱۶۶۷
۱۳۶۲	۴۴/۰۸	۱۰/۵	۲۴/۰	۲۱۲۸۷۷
۱۳۶۳	۴۵/۸۰	۱۰/۷	۲۳/۰	۲۰۸۵۱۶
۱۳۶۴	۴۷/۵۹	۱۰/۹	۲۳/۰	۲۱۲۶۸۶
۱۳۶۵	۴۹/۴۵	۱۱/۱	۲۲/۰	۱۹۳۲۳۵
۱۳۶۶	۵۰/۶۶	۱۱/۴	۲۲/۰	۱۹۱۳۱۲
۱۳۶۷	۵۱/۹۱	۱۱/۶	۲۲/۰	۱۸۰۸۲۳
۱۳۶۸	۵۳/۱۹	۱۱/۹	۲۲/۰	۱۹۱۵۰۳
۱۳۶۹	۵۴/۵۰	۱۲/۵	۲۳/۰	۲۱۸۵۳۹
۱۳۷۰	۵۵/۸۴	۱۳/۱	۲۳/۰	۲۴۵۰۳۶
۱۳۷۱	۵۶/۶۲	۱۳/۳	۲۳/۰	۲۵۴۸۲۲
۱۳۷۲	۵۷/۴۳	۱۳/۴	۲۳/۰	۲۵۸۶۰۱
۱۳۷۳	۵۸/۲۸	۱۳/۷	۲۳/۰	۲۵۹۸۷۶
۱۳۷۴	۵۹/۱۵	۱۴/۱	۲۴/۰	۲۶۷۵۳۴
۱۳۷۵	۶۰/۰۶	۱۴/۶	۲۴/۰	۲۸۳۸۰۷
۱۳۷۶	۶۰/۹۱	۱۴/۹	۲۴/۰	۲۹۱۷۶۹
۱۳۷۷	۶۱/۷۹	۱۵/۳	۲۵/۰	۳۰۰۱۴۰
۱۳۷۸	۶۲/۸۰	۱۵/۸	۲۵/۰	۳۰۴۹۴۱
۱۳۷۹	۶۳/۹۰	۱۶/۴	۲۶/۰	۳۲۰۰۶۹
۱۳۸۰	۶۴/۹۰	۱۷/۰	۲۶/۰	۳۳۰۶۲۴
۱۳۸۱	۶۶/۰۰	۱۷/۸	۲۷/۰	۳۵۵۲۱۹
۱۳۸۲	۶۶/۸۳	۱۸/۳	۲۷/۰	۳۷۷۱۶۲
۱۳۸۳	۶۷/۶۶	۱۹/۰	۲۸/۰	۳۹۷۹۰۶
۱۳۸۴	۶۹/۰۶	۱۹/۷	۲۹/۰	۴۲۰۹۲۸
۱۳۸۵	۷۰/۴۷	۲۰/۵	۲۹/۰	۴۴۶۸۸۰

منبع: مرکز آمار ایران و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

پیش مفهوم بیکاری تکنولوژیک و آثار تکنولوژی بر میزان استفاده از نیروی کار را مطرح کرده بودند. کینز^۱ در کتاب نظریه عمومی اشتغال، بهره و پول در این باره چنین می‌گوید: «ما به بیماری جدیدی مبتلا هستیم که شاید خوانندگان هنوز نامش را نشنیده باشند، اما در سال‌های آینده بسیار به گوششان خواهد خورد؛ بیکاری تکنولوژیک، که به معنای نوعی بیکاری است که نتیجه کشف ابزارهای جدید برای صرفه‌جویی در کار و پشت سر گذاردن سرعتی است که با آن می‌توانیم راههای استفاده جدیدی برای کار بیابیم» (Rifkin, ۱۹۸۹).

اما در دنیای کونی، شدت این جایگزینی بسیار تعییر کرده است. در جهان صنعتی گذشته، تکنولوژی جانشین نیروی جسمانی کار آدمی می‌شد، یعنی ماشین جای زور بازوی آدمی را می‌گرفت، ولی تکنولوژی‌های جدید کامپیوتری نوید جانشینی اندیشه آدمی را می‌دهند. از سوی دیگر، در گذشته هنگامی که انقلاب تکنولوژیک مشاغل یک فعالیت اقتصادی را تهدید می‌کرد، فعالیت دیگری پدید می‌آمد تا مازاد نیروی کار را جذب کند، اما اینک تنها بخش جدید نوظهور «بخش دانش» است که به دانش کاران یا تحلیلگران در رشته‌های علمی برای هدایت اقتصاد خودکار و فوق تکنولوژیک نیاز دارد (Rabertsom, ۱۹۸۸).

با توجه به توضیحات بالا و مباحثی که در زمینه سیاست‌های اقتصادی، ساختار تولید، و توان اشتغال‌زاگی اقتصاد ایران مطرح است، می‌توان نتیجه گرفت که قشر عظیمی از جمعیت شاغل کونی، با توجه به سطح دانش و مهارت خود، دارای مشاغل نایابدار و در معرض پیامدهای تحولات علمی و تکنولوژیک هستند. در مورد نیروی کار جدیدی که عرضه خواهد شد، حتماً باید توجه داشت که با کدام سبد از مهارت‌ها و شایستگی‌های کانونی وارد این بازار می‌شود زیرا دست‌کم یکی از پیامدهای شناخته‌شده تحولات تکنولوژیک برای نیروی کار تعییر ضربانگ زیستی-مکانیکی به ضربانگ زیستی-دیجیتالی است (شارع‌پور، ۱۳۸۱).

نکته دیگری که در این حوزه جای تأمل بسیار دارد این است که گاه، بر اثر سرمایه‌گذاری‌های جدید و اختصاص منابع اعتباری به یک فعالیت اقتصادی که قاعده‌تاً انتظار می‌رود منجر به تعییر فرایند

ایرانی از نیمه دهه ۶۰ شمسی با مفهوم و مصداق بیکاری آشنا و دست به گریبان شدند. بیکاری انواع و مصاديق بسیاری دارد اما داده‌ها در کشور ما به گونه‌ای نیست که بتوان جمعیت بیکار یا منشاً بیکاری را به درستی تجزیه و تحلیل کرد. در یک تقسیم‌بندی کلی، می‌توان بیکاری را به انواع اصطکاکی، ساختاری، ناشی از کمبود تقاضای مؤثر (بیکاری ادواری)، و تکنولوژیک تقسیم کرد.

بیکاری اصطکاکی: اگر اقتصاد در وضعیتی باشد که همه نیروهای کار موجود بتوانند به فعالیتی مشغول باشند، همان‌گونه که در الگوی ذخیره- جریان بازار کار ذکر شد، می‌توان تصور کرد که عده‌ای به دلایل زیر قادر شغل باشند و نرخ بیکاری مثبت باشد:

- (۱) شغل خود را برای کار بهتر رها کرده باشند،
- (۲) شغل خود را به دلایلی از دست داده باشند،
- (۳) تازه وارد بازار کار شده و در جست‌وجوی فرصت شغلی باشند،
- (۴) پس از مدتی از بازار کار خارج و مجدداً وارد بازار شده و در جست‌وجوی شغلی باشند. وضعیت کارفرمایان نیز چنین است: (۱) در جست‌وجوی نیروی کار هستند تا جانشین نیروی کاری کنند که بازنشسته شده یا کار خود را رها کرده است، (۲) نیروی کار خود را اخراج کرده‌اند تا کارکنانی بهتر بیابند، (۳) در جست‌وجوی نیروی کار مناسب برای پاسخ به ظرفیت‌های ایجادشده در بنگاه خود هستند (McConnell et al., 1999).

بیکاری ساختاری: این نوع بیکاری به واسطه تعییر ترکیب عرضه و تقاضای نیروی کار به وجود می‌آید و ابعاد مختلفی دارد. یک بعد عدم تطابق کمی و کیفی نیازهای مهارتی و تخصصی کارفرمایان و کارگران است. بعد دیگر معمولاً عدم تطابق جغرافیایی فرصت‌های شغلی ارائه شده و نیروی کار در جست‌وجوی فرصت شغلی است. مثال مشخص بعد نخست بیکاری ساختاری، رشد تکنولوژی است که جایگزین نیروی کار آدمی می‌شود و همچنین برخی سیاست‌های تجارت خارجی که به طور غیرمستقیم نیروی کار خارجی را جانشین نیروی کار داخلی می‌کند.

بیکاری ناشی از کمبود تقاضای مؤثر: نوعی دیگر از بیکاری است که در بسیاری از جوامع به دنبال رکود و رونق بازار کالا و خدمات به وجود می‌آید و بر اثر آن، بنگاه‌های تولیدی ناگزیر از تعییر رویه استخدامی خود می‌شوند.

بیکاری تکنولوژیک: اقتصاددانان و تحلیلگران بازار کار از

آموزش عالی در کل ۱۰/۱ و به تفکیک زن و مرد ۷/۱۶ و ۷ درصد، نرخ بیکاری بر حسب رشتۀ تحصیلی دانش آموختگان آموزش عالی در گروه علوم انسانی ۹/۴، در علوم پایه ۱۲/۷، در رشتۀ های فنی و مهندسی ۱۱/۴، در پژوهشکی ۷/۷، و در کشاورزی ۱۵/۷ درصد بوده است. نرخ بیکاری در سطح تحصیلی دیپلم ۸/۱۷ و به تفکیک زن و مرد ۳۶ و ۴/۱۴ درصد اعلام شده است. نرخ بیکاری در سطوح تحصیلی زیر دیپلم در کل ۱۱/۶ و به تفکیک زن و مرد عبارت از ۵/۲۳ و ۴/۱۰ درصد بوده است. بیکاران بی‌سواد کشور در حال حاضر ۷/۷ درصد از کل بیماران را تشکیل می‌دهند. به طور کلی، این احتمال در باره بیکاران بی‌سواد و زیردیپلم وجود دارد که در آینده، بیکاران بلندمدت اقتصاد ایران و بخشی از بیکاری ساختاری جامعه ما را تشکیل دهنده، به خصوص هنگامی که به این نکته توجه کنیم که اصولاً در بازار کار آینده، جایی برای تقاضای نیروی کار کم‌سواد وجود ندارد و احتمالاً اگر کاری بیابند در قالب مشاغل موقت، نیمه‌وقت و غیررسمی خواهد بود (مرکز آمار ایران). جمعیت بیکار و نرخ بیکاری توزیع یکسانی در کل کشور ندارد و اقتصاد ایران از این حیث با عدم تعادل‌های منطقه‌ای بازار کار مواجه است. به طور مشخص، استان‌های یزد، خراسان شمالی، قم، خراسان رضوی، تهران، سمنان و آذربایجان غربی با نرخ بیکاری زیر ۹ درصد با بیکاری تقریباً انداز و قابل تحمل مواجه هستند. استان‌های مرکزی، اصفهان، قزوین، مازندران، فارس و اردبیل با نرخ بیکاری ۱۰–۱۲ درصد دارای بیکاری معتدل، و استان‌های کرمانشاه، ایلام، لرستان و سیستان و بلوچستان با نرخ بیکاری بالاتر از ۲۳ درصد با وضعیت حد بیکاری مواجه هستند (جدول ۲). باید گفت که با توجه به تحولات جمعیتی و گسترش نظام آموزش عالی، عرضه نیروی کار با سطوح تحصیلی کمتر از دیپلم در بازار کار آینده کشور نخواهیم داشت. بنابراین، نوع مشاغل مورد نیاز با توجه به عرضه بیش از یک میلیون نفر برای اقتصاد ایران بسیار قابل تأمل است.

۵.۲. بیکاری در آستانه شروع برنامه پنجم توسعه

براساس اطلاعات موجود، متأسفانه نمی‌توان میزان دقیق مشاغل ایجادشده در برنامه چهارم را برآورد کرد. براساس داده‌های سرشماری سال ۱۳۸۵ می‌توان گفت که در طول دهه ۱۳۷۵–۱۳۸۵، بالغ بر ۹/۵ میلیون فرصت شغلی ایجاد شده است.

تولید و جایگزینی ماشین آلات جدید شود، نه تنها نیروی کار در همان سطح قبلی باقی نمی‌ماند، بلکه با کاهش تقاضای نیروی کار نیز مواجه می‌شویم (پدیده رشد بدون اشتغال^۱). البته وضعیت معیشتی و رفاهی آن قشر از نیروی کار که بتوانند خود را با شرایط جدید تکنولوژیک وفق دهند به مراتب بهتر از گذشته خواهد شد، اما گروهی که بر اثر تحولات تکنولوژیک شغل خود را از دست می‌دهند یا کارشان به مرور زمان دارای ارزش کمتری می‌شود در وضعیت نامناسبی قرار می‌گیرند.

بیکاری، به هر دلیلی به وجود آمده باشد، آسیب‌ها و هزینه‌های عمیق اقتصادی و اجتماعی دارد. هزینه‌های اقتصادی به طور مشخص با میزان تولید از دست رفته ناشی از بیکاری نیروی کار اندازه‌گیری می‌شود. تولید ناخالص سرانه نیروی کار، ارزشی است که انتظار می‌رود، با فرض یافتن یک فرصت شغلی برای یک فرد بیکار که در سطح متوسط نیروی کار بهره‌وری دارد، به سطح تولید ناخالص داخلی اضافه شود. جمعیت بیکار و نرخ بیکاری از هر دیدگاهی که مد نظر قرار گیرد (۱) شاخصی برای ادوار تجاری و نتیجه سیاست‌های کلان اقتصادی دولتها به شمار می‌رود؛ (۲) شاخصی برای رنج و مشقت اقتصادی آحاد جامعه است و به ویژه اگر دوره بیکاری افراد طولانی شود، آثار زیانبار آن بروز و نمود بیشتری پیدا می‌کند؛ (۳) شاخصی برای عملکرد اقتصادی است و هنگامی که نرخ بیکاری بالاست، به تبع آن، تولید پایین است (Reynolds, 1982). با این توضیحات، تحولات بیکاری و نرخ مربوط به آن را در بازار کار کشور مرور خواهیم کرد. در سال ۱۳۵۵، جمعیت بیکار بالغ بر ۹۹۶ هزار نفر و نرخ بیکاری حدود ۱۰ درصد بوده است. تعداد این جمعیت در سال‌های ۱۳۶۵، ۱۳۷۵، ۱۳۸۵ و ۱۳۸۵ به ترتیب ۱۸۰۰ هزار نفر، ۱۴۵۶ هزار نفر و ۲۹۹۲ هزار نفر و نرخ بیکاری ۱۴، ۹/۱ و ۱۲/۸ درصد بوده است. تعداد بیکاران شهری و روستایی در سال ۱۳۸۵ به ترتیب بالغ بر ۱۹۰۰ و ۱۱۰۰ هزار نفر بوده است (مرکز آمار ایران).

وضعیت جمعیت بیکار بر حسب جنسیت، گروه سنی و سطح تحصیلی در سال ۱۳۸۵ بسیار قابل تأمل است. نرخ بیکاری زنان و مردان ۱۹ و ۹/۷ درصد، نرخ بیکاری شاغلان با سطوح تحصیلی

1. jobless growth

جدول ۲. شاخص‌های جمعیت و بازار کار به تفکیک استان‌ها (۱۳۸۵)

درصد توزیع جمعیت بیکاری	نرخ شاغل به کل جمعیت	درصد توزیع جمعیت شاغل	درصد توزیع جمعیت شرکت	درصد توزیع جمعیت فعال سنین فعالیت	درصد توزیع جمعیت در سنین فعالیت	درصد توزیع جمعیت	کل کشور (نفر)
۲۹۹۲۲۹۸		۲۰۴۷۶۳۹۵		۲۳۴۶۸۶۹۳	۵۹۵۲۲۷۴۷	۷۰۴۹۵۷۸۲	کل کشور (درصد)
۱۲/۷۵	۱۰۰	۲۹/۰	۱۰۰	۳۹/۴	۱۰۰	۱۰۰	آذربایجان شرقی
۹/۶	۴/۱	۳۲/۱	۵/۶	۴۱/۴	۵/۴	۵/۲	آذربایجان غربی
۸/۹	۲/۸	۲۹/۸	۴/۲	۳۹/۳	۴/۰	۴/۰	اردبیل
۱۱/۴	۱/۵	۲۹/۵	۱/۸	۳۹/۳	۱/۷	۱/۷	اصفهان
۱۰/۵	۵/۵	۳۰/۸	۶/۹	۴۰/۰	۶/۷	۶/۶	ایلام
۲۷/۲	۱/۷	۲۴/۳	۰/۶	۳۹/۱	۰/۸	۰/۸	بوشهر
۹/۰	۰/۹	۳۰/۴	۱/۳	۴۰/۰	۱/۳	۱/۲	تهران
۸/۴	۱۳/۲	۳۲/۰	۲۱/۰	۴۰/۵	۲۰/۰	۱۹/۵	چهارمحال و بختیاری
۱۸/۰	۱/۷	۲۷/۳	۱/۱	۳۹/۹	۱/۲	۱/۲	خراسان جنوبی
۱۶/۳	۱/۳	۳۰/۴	۰/۹	۴۴/۳	۱/۰	۰/۹	خراسان رضوی
۸/۲	۵/۲	۳۱/۱	۸/۵	۴۰/۹	۸/۱	۷/۸	خراسان شمالی
۸/۰	۰/۷	۳۱/۶	۱/۳	۴۱/۷	۱/۲	۱/۱	خوزستان
۱۹/۳	۷/۹	۲۳/۲	۴/۸	۳۴/۸	۵/۲	۵/۹	زنجان
۹/۴	۱/۰	۳۱/۴	۱/۵	۴۰/۷	۱/۴	۱/۴	سمنان
۸/۴	۰/۵	۳۰/۰	۰/۹	۳۸/۲	۰/۸	۰/۸	سیستان و بلوچستان
۳۱/۵	۶/۶	۱۷/۷	۲/۱	۳۵/۰	۲/۷	۳/۰	فارس
۱۱/۳	۵/۲	۲۸/۳	۶/۰	۳۷/۳	۵/۹	۶/۲	قزوین
۱۰/۸	۱/۳	۲۸/۵	۱/۶	۳۷/۵	۱/۶	۱/۶	قم
۸/۱	۰/۹	۲۷/۹	۱/۴	۳۶/۴	۱/۴	۱/۵	کردستان
۲۰/۲	۳/۳	۲۷/۳	۱/۹	۴۰/۳	۲/۱	۲/۱	کرمانشاه
۲۱/۰	۶/۲	۲۶/۱	۳/۴	۴۰/۱	۳/۷	۳/۷	کرمان
۲۳/۲	۴/۸	۲۵/۲	۲/۳	۳۸/۲	۲/۶	۲/۷	گلستان
۱۹/۶	۱/۱	۲۲/۱	۰/۷	۳۳/۳	۰/۷	۰/۹	گیلان
۱۲/۴	۲/۳	۳۰/۱	۲/۴	۴۱/۲	۲/۴	۲/۳	لرستان
۱۴/۹	۴/۳	۳۰/۸	۳/۶	۴۱/۴	۳/۷	۳/۵	مازندران
۲۹/۱	۵/۷	۲۴/۱	۲/۰	۴۰/۲	۲/۵	۲/۴	مرکزی
۱۰/۹	۳/۷	۳۱/۰	۴/۴	۴۰/۰	۴/۳	۴/۱	هرمزگان
۱۰/۴	۱/۵	۲۹/۳	۱/۹	۳۸/۰	۱/۹	۱/۹	همدان
۱۲/۲	۱/۷	۲۶/۲	۱/۸	۳۷/۱	۱/۸	۱/۹	یزد
۱۲/۳	۲/۳	۲۹/۰	۲/۴	۳۸/۵	۲/۴	۲/۵	منبع: مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۵
۷/۹	۱/۰	۳۳/۶	۱/۶	۴۳/۴	۱/۵	۱/۴	

ایراد است. بنابراین، با وجود تلاش‌های صورت گرفته، اهداف کمی و کیفی برنامه چهارم تحقق نیافته است. تعداد فرصت‌های شغلی در طول سال‌های ۱۳۸۸-۱۳۸۳، با توجه به نرخ رشد اقتصادی کشور و میزان تغییرات بهره‌وری نیروی کار، سالانه به طور متوسط

تداوم روند ایجاد سالانه ۵۹۰ هزار فرصت شغلی را شاید بتوان برای سال ۱۳۸۶ محقق دانست، اما با توجه به اوضاع اقتصادی (رکود فرآگیر، رشد اندرک تولید ناخالص داخلی، فضای نامناسب سرمایه‌گذاری و...) تداوم این روند در سال‌های ۱۳۸۸-۱۳۸۷ محل

این مسئله را نیز باید در نظر داشت که وقتی نیروی کارآمد و فعال مدت زمان زیادی را صرف جستجوی شغل می‌کند، به تدریج و با گذشت زمان، از میزان مهارت‌های وی کاسته می‌شود و این یکی از آسیب‌های جدی و تهدیدی بزرگ برای «پایداری» بازار کار است.

۳. مقایسه‌های بین‌المللی

برای برخی مقایسه‌های بین‌المللی، متغیرهای اقتصادی تولید ناخالص داخلی به قیمت‌های جاری و براساس برابری قدرت خرید، و متغیرهای اجتماعی مانند جمعیت، جمعیت در سالین ۱۵-۶۴، عرضه نیروی کار، نرخ مشارکت جمعیت بالاتر از ۱۵ سال، نسبت استغال به جمعیت، و نرخ بیکاری در ۱۹ کشور از مناطق مختلف جهان را انتخاب کرده‌ایم و به توضیح آنها خواهیم پرداخت.

جمعیت ایران معادل ۱/۰۷ درصد از کل جمعیت جهان است اما به لحاظ تولید ناخالص داخلی براساس قیمت‌های جاری سهمی بیش از ۵/۰ درصد از کل تولید جهان را ندارد. اقتصاد ایران، با تولید ۳۳۱ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۹، معادل ۲/۳ درصد تولید ناخالص ایالات متحده را به عنوان قدرت اقتصادی اول جهان داراست. تولید ناخالص ایران براساس برابری قدرت خرید با ۸۴۳ میلیارد دلار معادل ۱/۱۶ درصد از کل جهان و برابر با ۶ درصد تولید امریکا به عنوان قدرت اول اقتصادی جهان است (جدول ۳ و ۴). تولید سرانه جهان در سال ۲۰۰۹ برابر با ۸۵۹۴ دلار و تولید سرانه ایران با ۴۵۴۰ دلار معادل ۵۳ درصد تولید سرانه جهان و ۱۰ درصد تولید سرانه امریکا به عنوان کشوری با بالاترین تولید سرانه است. همچنین براساس برابری قدرت خرید، تولید سرانه ایران با رقمی معادل ۱۰۴۹۶ دلار از تولید سرانه جهان بالغ بر ۹۵۱۴ دلار بیشتر و معادل با ۲۵ درصد تولید سرانه امریکا با بالاترین تولید سرانه است (جدول ۳).

جمعیت سالین ۱۵-۶۴ سال به عنوان بخش بالقوه عرضه نیروی کار یکی از شاخص‌های مهم در تحلیل‌های جمعیتی و بازار کار است. این شاخص در جهان معادل ۶۵/۳ درصد از کل جمعیت است. در ایران شاخص مذکور معادل ۷۱/۱ درصد و در کره به عنوان کشوری با بالاترین میزان، برابر با ۷۲/۵ درصد است (جدول ۴). این شاخص به تنهایی نمی‌تواند گویای پیری یا جوانی یا پویایی بازار کار باشد اما اگر در کنار نرخ مشارکت تحلیل و بررسی شود، می‌تواند نشان دهد که چه میزان از منابع انسانی جامعه مورد

بالغ بر ۵۰۰ هزار و نرخ بیکاری در سال ۱۳۸۸ بالغ بر ۱۵ درصد و تعداد بیکاران قریب به ۴ میلیون نفر بوده که عموماً از اقسام تحصیل کرده و جوان بهویژه زنان هستند. در بین اهداف کمی، صرفاً نرخ مشارکت که متغیری عمدتاً جمعیتی و تعیینی است و کمتر تحت تأثیر تحولات اقتصادی قرار می‌گیرد مطابق با پیش‌بینی برنامه حرکت کرده است.

اگر سال پایه برنامه پنجم را سال ۱۳۸۹ در نظر بگیریم، با توجه به تداوم رکود مزمن سال‌های اخیر و عرضه نیروی کار جدید ۸۰۰-۱۰۰۰ هزار نفری به بازار کار، عرضه نیروی کار نزدیک به ۲۷ میلیون نفر، تقاضای نیروی کار ۲۲ میلیون نفر و تعداد بیکاران نزدیک به ۵ میلیون نفر خواهد بود و نرخ بیکاری از مرز ۱۸ درصد خواهد گذشت. با این وضعیت، لازم است اتخاذ سیاست‌های کلان اقتصادی که ایجاد فرصت‌های شغلی را به طور جدی در دستور کار قرار دهد و تا حد ممکن از بروز بحران‌های اقتصادی و اجتماعی جلگیری کند مد نظر سیاست‌گذاران اقتصادی قرار گیرد. البته در این میان، وضعیت برخی استان‌ها با توجه به منطقه جغرافیایی آنها باید به طور خاص از منظر سیاست‌ها و برنامه‌ها و اعتبارات مورد توجه قرار گیرد.

مسئله اولی که موجبات ناپایداری بازار کار را فراهم کرده، اتخاذ سیاست تجاری به نفع کشورهای خارجی به خصوص کشورهای آسیای شرقی است. با واردات کالا، نیروی کار خارجی وارد بازار کار داخلی شده است و این امر لطمہ‌ای اساسی به «پایداری» بازار کار کشور زده است. به نظر می‌رسد سیاست واردات کالا از آسیای شرقی، به جای تولید داخلی، سیاستی غیراقتصادی است که از ناحیه دیپلماسی کلان کشور به بازار کار یا در واقع به کل تولید تحمیل شده است. اینکه دروازه‌های واردات ایران به روی کالاهای چینی باز شده است به سیاست خارجی کشور بازمی‌گردد. این سیاست براساس مقتضیات چرخه اقتصادی اتخاذ نشده، بلکه حاصل تعاملات سیاسی در سطح بین‌المللی است و به هیچ وجه منطق و عقلانیت اقتصادی ندارد (طائی، ۱۳۸۹).

دومین مسئله عرضه نیروی کار حدود ۸۰۰ هزار نفری به بازار کار کشور است. از آنجا که تولید داخلی جای خود را به تجارت خارجی داده است، بنگاه‌ها نیروی کار خود را تعديل می‌کنند و تعداد کارکنان خود را کاهش می‌دهند. بنابراین، «پایداری» هم از جانب عرضه مورد تهدید است و هم از جانب تقاضا. در کنار مسائل فوق،

جدول ۳. تولید ناخالص ملی و سرانه در کشورهای منتخب (۲۰۰۹)

کشور	تولید ناخالص داخلی امریکا (به دلار ثابت ۲۰۰۵)	تولید سرانه (به دلار جاری امریکا)	تولید ناخالص داخلی بر حسب برابری قدرت خرید (به دلار ثابت ۲۰۰۵)	تولید ناخالص داخلی بر حسب برابری قدرت خرید (به دلار جاری امریکا)
برزیل	۲۰۰۹	۲,۰۰۹	۲,۰۰۹	۲,۰۰۹
کانادا	۹,۴۵۵	۸,۱۱۴	۲,۰۲۰,۰۷۸,۷۸۴,۲۶۱	۱,۵۷۱,۹۷۸,۹۴۱,۱۹۰
چین	۳۴,۵۶۷	۳۹,۵۹۹	۱,۲۸۰,۲۷۹,۳۱۶,۹۶۴	۱,۳۳۶,۰۶۶,۸۳۵,۷۹۷
مصر	۶,۲۰۰	۳,۷۹۴	۹,۱۰۴,۱۸۱,۳۷۵,۱۸۸	۴,۹۸۴,۷۳۱,۳۷۱,۶۸۸
فرانسه	۵,۱۵۱	۲,۲۶۹	۴۷۱,۴۷۴,۶۱۸,۴۵۰	۱۸۸,۳۳۳,۹۵۸,۹۲۸
آلمان	۲۹,۰۷۸	۴۱,۰۵۱	۲,۱۷۲,۰۹۷,۴۱۲,۳۶۰	۲,۶۴۹,۳۹۰,۱۷۲,۵۷۹
هند	۱۳,۱۴۴	۴۰,۸۷۳	۲,۹۸۴,۴۴۰,۴۴۲,۱۶۳	۳,۳۴۶,۷۰۱,۹۸۹,۱۸۴
ایران	۲,۹۷۰	۱,۱۳۴	۳,۷۸۳,۵۷۷,۷۷۵,۳۳۲	۱,۳۱۰,۱۷۰,۵۲۱,۴۴۷
ژاپن	۱۰,۴۹۶	۴,۵۴۰	۸۴۳,۸۵۹,۹۹۹,۱۶۸	۳۳۱,۰۱۴,۹۷۳,۱۸۶
جمهوری کره	۲۹,۶۸۸	۳۹,۷۲۷	۴,۱۳۸,۴۸۰,۶۱۸,۹۱۰	۵,۰۶۷,۵۲۵,۸۴۴,۲۶۰
مکزیک	۲۵,۴۹۳	۱۷,۰۷۸	۱,۳۲۴,۳۸۲,۵۵۸,۰۹۱	۸۳۲,۵۱۱,۶۴۹,۰۳۳
نیجریه	۱۲,۴۲۹	۸,۱۴۴	۱,۵۴۰,۲۰۷,۳۸۶,۹۵۹	۸۷۴,۹۰۱,۸۵۰,۰۰۲
پاکستان	۱,۹۵۰	۱,۰۹۲	۳۳۲,۶۸۱,۲۵۱,۳۸۳	۱۶۸,۹۹۳,۶۸۲,۸۵۵
روسیه	۲,۳۸۱	۹۸۱	۴۴۵,۵۴۹,۱۲۶,۹۱۲	۱۶۶,۵۴۵,۲۷۹,۹۵۹
افریقای جنوبی	۱۳,۰۵۴	۸,۶۷۶	۲,۶۸۷,۲۹۷,۷۳۳,۴۸۱	۱,۲۳۰,۷۲۵,۸۵۶,۴۰۳
تایلند	۹,۳۳۲	۵,۷۹۸	۵۰۷,۵۷۰,۵۶۵,۰۸۶	۲۸۵,۹۸۲,۵۵۶,۶۵۱
ترکیه	۷,۲۵۸	۳,۸۹۴	۵۴۲,۳۸۷,۹۱۷,۶۸۲	۲۶۳,۸۵۶,۲۵۵,۴۶۸
بریتانیا	۱۱,۲۰۲	۸,۲۴۸	۱,۰۴۰,۲۷۵,۰۸۱,۷۸۵	۶۱۷,۰۹۹,۳۳۴,۳۶۸
ایالات متحده امریکا	۳۲,۱۴۷	۳۵,۱۶۵	۲,۲۵۶,۸۳۰,۱۲۴,۰۰۸	۲,۱۷۴,۵۲۹,۸۰۸,۲۷۸
جهان	۴۲,۱۰۷	۴۶,۴۳۶	۱۴,۲۵۶,۳۰۰,۰۰۰,۰۰۰	۱۴,۲۵۶,۳۰۰,۰۰۰,۰۰۰
	۹,۵۱۴	۸,۵۹۴	۷۲,۰۳۶,۹۷۴,۱۶۶,۹۸۳	۵۸,۲۲۸,۱۷۸,۲۵۹,۳۵۸

منبع: UNDP, 2009

عرضه نیروی کار در جهان در سال ۲۰۰۸ معادل ۳/۱ میلیارد نفر بوده است. میزان عرضه نیروی کار در ایران برابر با ۹/۰ درصد از کل عرضه جهان و معادل ۳/۶ درصد عرضه نیروی کار چین به عنوان دارنده بالاترین میزان این شاخص در جهان است (جدول ۴). عرضه نیروی کار در کنار نرخ بیکاری می‌تواند میان تعداد نیروی کار شاغل در جهان باشد. با توجه به اینکه نرخ بیکاری در اکثر کشورهای جهان زیر ۱۰ درصد است، می‌توان استباط کرد که نیروی کار شاغل، با فرض نرخ بیکاری ۱۰ درصد که میزان حداکثری تلقی می‌شود، بالغ بر ۲/۸ میلیارد نفر باشد. این شاخص با در نظر گرفتن جمعیت بالاتر از ۱۵ سال، نسبت اشتغال به جمعیت را در جهان در سال ۲۰۰۸ برابر با ۶۰ درصد، در تایلند که دارای بالاترین نسبت در جهان است ۷۲ درصد، و در ایران برابر با ۴۹ درصد نشان می‌دهد (جدول ۴).

استفاده قرار می‌گیرد. نرخ مشارکت نیروی انسانی در فعالیتهای اقتصادی در جهان در سال ۲۰۰۸ معادل ۶۵ درصد، در چین به عنوان کشوری با بالاترین میزان مشارکت معادل ۷۴ درصد، و در ایران برابر با ۵۱ درصد است که یکی از پایین‌ترین نرخ‌های مشارکت در جهان است (جدول ۴). نرخ مشارکت نشان‌دهنده میزان استفاده از جمعیت در سنین فعالیت در فعالیتهای اقتصادی و در واقع بیانگر توانایی اقتصاد و جامعه در بهره‌گیری از ظرفیت منابع انسانی است. روشن است که یکی از معیارهای تمایز جوامع پیشرفت و در حال توسعه نیز می‌تواند همین شاخص باشد. عکس این شاخص نرخ عدم فعالیت است که یکی از شاخص‌های مهم بازار کار است. میزان عدم استفاده از منابع انسانی در سنین فعالیت در جهان معادل ۳۵ درصد، در چین معادل ۲۶ درصد، و در ایران برابر با ۴۹ درصد است.

مطلوبی پیدا کرده‌اند. کشورهای همسایه نظیر ترکیه و پاکستان وضعیت متفاوتی داشته‌اند. شاخص‌های مربوط به کشور ترکیه روند رو به رشد این کشور را در دهه اخیر نشان می‌دهند، اما پاکستان وضعیتی بسیار نامطلوب دارد بهویژه اگر شاخص‌های مربوط به آن با هند مقایسه شود. مصر به عنوان کشوری واقع در شمال افريقا و خاورمیانه در زمرة کشورهایی قرار می‌گیرد که دارای شاخص‌های متوسط رو به پایین و دارای رشدی بطئی و کند هستند.

در تحلیلی کلی با توجه به جداول ۳ و ۴ می‌توان استنباط کرد که شاخص‌های بازار کار ارتباط تنگاتنگی با شاخص‌های اقتصادی سرپوشیده‌گذاری دارند به گونه‌ای که برخی کشورها مانند کره و چین، در طول ۴۰ سال گذشته، با بهبود همهٔ بنیان‌های اقتصادی و اجتماعی، توانسته‌اند جایگاه ویژه‌ای برای خود در جهان بیانند. البته بزریل و هند نیز از این تکاپوی جهانی برکنار نبوده و وضعیت

جدول ۴. جمعیت و شاخص‌های بازار کار در کشورهای منتخب

کشور	جمعیت کل (میلیون نفر)	جمعیت ۶۴ سال (درصد از کل)	جمعیت ۶۴ - ۱۵ سال (درصد از کل)	کل نیروی کار (میلیون نفر)	نحو مشارکت جمعیت بالاتر از ۱۵ سال (درصد از کل)	نسبت اشتغال به جمعیت بالاتر از ۱۵ سال (درصد)	نرخ بیکاری کل (درصد از کل نیروی کار)
برزیل	۱۹۳,۷۳۳,۷۹۵	۲۰۰۹	۲۰۰۸	۹۹,۹۴۵,۰۵۶	۷۱	۶۴	۷/۹
کانادا	۳۳,۷۳۹,۹۰۰	۶۹/۶	۶۷	۱۸,۶۶۰,۱۸۲	۶۷	۶۱	۶/۱
چین	۱,۳۳۱,۴۶۰,۰۰۰	۷۱/۷	۷۴	۷۷۶,۸۸۰,۹۶۱	۷۱	۷۱	۴/۲
مصر	۸۲,۹۹۹,۳۹۳	۶۳/۱	۴۸	۲۶,۳۱۵,۷۳۲	۴۸	۴۳	۸/۷
فرانسه	۶۲,۶۱۶,۴۸۸	۶۴/۹	۵۶	۲۸,۶۱۱,۲۵۵	۵۶	۴۸	۷/۴
آلمان	۸۱,۸۷۹,۹۷۶	۶۶/۲	۶۰	۴۲,۳۷۵,۱۱۹	۴۲	۵۲	۷/۵
هند	۱,۱۵۵,۳۴۷,۶۷۸	۶۳/۹	۵۸	۴۴۹,۸۸۸,۲۰۰	۵۸	۵۶	
ایران	۷۲,۹۰۳,۹۲۱	۷۱/۱	۵۱	۲۷,۷۸۳,۲۶۶	۵۱	۴۹	۱۱/۴
ژاپن	۱۲۷,۵۶۰,۰۰۰	۶۴/۷	۶۱	۶۶,۸۷۶,۹۹۵	۶۱	۵۴	۴/۰
جمهوری کره	۴۸,۷۴۷,۰۰۰	۷۲/۵	۶۱	۲۶,۴۱۸,۰۷۳	۶۱	۵۸	۳/۲
مکزیک	۱۰۷,۴۳۱,۲۲۵	۶۵/۱	۶۲	۴۶,۷۰۶,۰۷۲	۶۲	۵۷	۴/۰
نیجریه	۱۵۴,۷۲۸,۸۹۲	۵۴/۳	۱۲۷	۴۸,۶۲۰,۱۲۷	۱۲۷	۵۲	
پاکستان	۱۶۹,۷۰۸,۳۰۳	۵۹/۰	۵۴	۵۵,۸۳۶,۷۷۰	۵۴	۵۲	
روسیه	۱۴۱,۸۵۰,۰۰۰	۷۲/۱	۶۳	۷۶,۰۲۵,۸۱۰	۶۳	۵۷	۶/۲
افریقای جنوبی	۴۹,۳۲۰,۱۵۰	۶۵/۰	۵۵	۱۸,۶۸۲,۴۲۹	۵۵	۴۱	۲۲/۹
تایلند	۶۷,۷۶۴,۰۳۳	۷۰/۷	۷۳	۳۸,۴۹۴,۸۹۴	۷۳	۷۲	۱/۴
ترکیه	۷۴,۸۱۵,۷۰۳	۶۷/۳	۴۸	۲۵,۷۶۲,۶۳۸	۴۸	۴۲	۹/۴
بریتانیا	۶۱,۸۳۸,۱۵۴	۶۶/۱	۶۲	۳۱,۴۹۴,۹۳۹	۶۲	۵۶	۵/۶
ایالات متحدهٔ امریکا	۳۰۷,۰۰۷,۰۰۰	۶۶/۹	۶۵	۱۵۸,۳۷۴,۵۸۹	۶۵	۵۹	۵/۸
جهان	۶,۷۷۵,۲۳۵,۷۴۱	۶۵/۳	۶۵	۳,۱۳۱,۹۲۳,۳۹۹	۶۵	۶۰	

منبع: UNDP, 2009

۴. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

- بهبود بازار کار در گرو عملکرد مطلوب چرخهٔ فعالیت‌های اقتصادی، اتخاذ سیاست‌ها و خط‌نمایی‌های صحیح اقتصادی، مدیریت و تخصیص بهینهٔ منابع مالی و فیزیکی، محیط مناسب کسب‌وکار، و فضای کلان سرمایه‌گذاری است.
- اصولاً هر فرصت شغلی معادل ۳۰ نفر- سال کار است که در جمع‌بندی مباحث مطرح شده، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:
- از منظر فردی و اجتماعی، اشتغال سه جنبهٔ درآمدی، تولیدی و هویتی دارد.

- «ناپایداری بازار کار» هم از جنبه عرضه مورد تهدید است و هم از جنبه تقاضا. اما مهم‌ترین مسئله موضوع تجارت خارجی است که به شدت تحت تأثیر دیپلماسی کلان کشور است. به طور مشخص، ورود بی‌رویه کالا بدون هیچ برنامه و سیاست مناسب اقتصادی انجام می‌شود و بزرگ‌ترین ضربه را به بنیان‌های تولیدی جامعه و بازار کار وارد کرده است.

آنچه از مقایسه وضعیت شاخص‌های کشور ما با سایر کشورها قابل استنباط است مربوط به مکانیزم‌های رشد اقتصاد ایران است. کشور ما، به رغم برخورداری از درآمدهای ارزی صدها میلیاردی از منابع نفتی، منابع انسانی قابل توجه، انواع منابع طبیعی، و موقعیت جغرافیایی و سیاسی خود نتوانسته رشدی بیشتر از متوسط جهانی داشته باشد. فقدان رشدی متناسب با منابع مذکور، به‌ویژه منابع ارزی که سالانه به اقتصاد ایران تزریق می‌شود، ایران را با پدیده استفاده نامطلوب از منابع در اختیار که در قالب تحولات بهره‌وری عوامل تولید متجلی می‌شود مواجه ساخته است. به دیگر سخن، اگر برای تقسیم‌بندی کشورهای جهان از اصطلاح «اقتصاد خوب مدیریت‌شده»^۱ استفاده کیم، کشور ما منابع در اختیار خود را به بدترین شیوه مورد استفاده قرار داده و می‌دهد. بنابراین، برای نیل به اقتصادی خوب مدیریت‌شده، نیازمند تحول اساسی در رفتار آحاد اقتصادی مانند خانوارها و بنگاه‌ها از یک سو و تغییر شیوه حکمرانی به سمت دولت و حکومتی مبنی بر شایسته‌سالاری از سوی دیگر هستیم.

منابع

- امیری، الهام و همکاران. (۱۳۸۳)، شاخص‌های کارشایسته، تهران، مؤسسه کار و تأمین اجتماعی.
- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، گزارش اقتصادی و ترازنامه بانک در سال‌های مختلف.
- رابرتsson، جیمز. (۱۳۷۸)، آینده کار، ترجمه سید مهدی الونی و حسن دانایی‌فرد، تهران، نشر نی.
- ریف‌کین، جرمی. (۱۳۷۹)، پایان کار، ترجمه حسن مرتضوی، تهران، دانش ایران.

بر اثر فعل و انفعالات چرخه زندگی اقتصادی در بازار کار ایجاد می‌شود. از همین منظر است که می‌گوییم: تقاضای نیروی کار مشتق از تولید است.

- روند شاخص‌های جمعیتی ضرورت بازنگری در پاره‌ای از اهداف و خطمشی‌ها و سیاست‌ها را در اقتصاد ایران مطرح می‌سازد. به طور مشخص، جمعیت گروه‌های سنی ۱۰-۱۴ و ۱۵-۱۹ ۲۰-۲۴ سال می‌تواند گویای عرضه بالقوه نیروی کار میان‌مدت در آغاز هر دهه‌ای تلقی شود. شاخص مذکور در سال ۱۳۸۵ بالغ بر ۲۴/۴ میلیون نفر بوده است.

- عرضه نیروی کار در سال ۱۳۸۵ بالغ بر ۳۳/۵ میلیون نفر بوده است. تقاضای نیروی کار یا جمعیت شاغل، با توجه به اتخاذ سیاست‌ها و خطمشی‌های اقتصادی در برنامه‌های میان‌مدت توسعه اقتصادی در طول ۴۰ سال گذشته، از ۷/۱ میلیون نفر در سال ۱۳۴۵ به ۲۰/۵ میلیون نفر در سال ۱۳۸۵ رسید.

- اگر سال پایه برنامه پنجم را ۱۳۸۹ در نظر بگیریم، با توجه به تداوم رکود مزمن سال‌های اخیر و عرضه نیروی کار جدید ۱۰۰۰-۸۰۰ هزار نفری به بازار کار، عرضه نیروی کار نزدیک به ۲۷ میلیون، تقاضای نیروی کار ۲۲ میلیون، و تعداد بیکاران نزدیک به ۵ میلیون نفر خواهد شد و نرخ بیکاری از مرز ۱۸ درصد خواهد گذشت.

- شاخص «نسبت شاغلان به جمعیت» نشان‌دهنده بار معیشت (ناخالص) است. تحولات این شاخص در طول ۴۰ سال گذشته از ۲۸ درصد در سال ۱۳۴۵ به پایین‌ترین سطح (۲۲ درصد) در سال ۱۳۶۷ و ۳۰ درصد در سال ۱۳۸۶ رسیده است. بار معیشت ناخالص در سال ۱۳۸۶ حدود ۳/۳ نفر بوده است.

- جمعیت بیکار و نرخ بیکاری، از هر دیدگاهی که مد نظر قرار گیرد، شاخصی برای ادوار تجاری، رنج و مشقت اقتصادی آحاد جامعه، و عملکرد اقتصادی است.

- با توجه به تحولات جمعیتی و گسترش نظام آموزش عالی، عرضه نیروی کار زیر دیپلم در بازار کار آینده کشور نخواهیم داشت. بنابراین، نوع مشاغل مورد نیاز با توجه به عرضه میلیونی نیروی کار برای اقتصاد ایران بسیار قابل تأمل است.

- McConnell, C. R., S. I. Brue and D. A. Macpherson. (1999), *Contemporary Labor Economies*, McGraw-Hill, 5th ed.
- Reynolds, G. L. (1982), *Labor Economies and Labor Relations*, Prentice and Hall.
- Sen, Amartya. (1996), "Employment, Institutions and Technology: Some Policy Issues", *International Labour Review* 135/3-4.
- _____. (1997), "Inequality, Unemployment and Contemporary Europe", *International Labour Review* 136/2.
- UNDP. (2009), *World Development Indicator*.

شارع پور، محمود. (۱۳۸۱)، *توانمندی‌ها و شایستگی‌های کارنامی دانش‌آموختگان آموزش عالی*، تهران، مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.

طائی، حسن. (۱۳۸۲)، *بازشناسی و پیش‌بینی وضعیت منابع انسانی*، تهران، مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.

_____. (۱۳۸۹)، «ارزیابی اشتغال در برنامه چهارم از منظر سیاست‌ها و عملکردها»، ارائه شده در همایش ملی بررسی برنامه پنجم توسعه، مجلس شورای اسلامی.

مرکز آمار ایران. سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال‌های مختلف (۱۳۵۵، ۱۳۶۵، ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵).